

بررسی محتوای درسی در دوره ابتدایی

خاتون ابراهیمی (نویسنده مسئول)

۱. رشته علوم تربیتی، گروه علوم تربیتی، ایران

Kh.h@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: برنامه درسی پایه ابتدایی بایستی بتواند شرایطی را فراهم نماید که تمام کودکان بتوانند به عنوان انسانهای بی همتا ظاهر شوند، شخصیتشان توسعه پیدا نماید، استعدادها و هوش آنها نمود یابد. این برنامه ها باید به فرد کمک کند روحيات، شناخت، عواطف، زیباشناختی و سایر ابعاد وجودی او رشد نماید. هدف بررسی محتوای درسی در دوره ابتدایی است.

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است. یافته ها: از نظر این پژوهش برنامه درسی در این دوره بایستی کلیت کودک را در نظر بگیرد و چنان تنظیم گردد که متناسب با رشد او رشد پیدا نماید. جهت تحقق این امر، برنامه درسی باید زندگی کودک را غنا بخشد به گونه ای که در این دوره مبنای مناسبی برای آموزشهای بعدی کودک فراهم نماید.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که برنامه درسی باید به یاد داشته باشد که کودک در جامعه و به عنوان بخشی از آن می باشد. و اینکه رشد فردی او عمیقاً متأثر از ارتباط او با اعضای خانواده (در سطوح اولیه) و ارتباطاتش با سایر اعضا در جامعه می باشد. برنامه درسی باید در بین رشد فردی و اجتماعی کودک توازن ایجاد نماید و به او کمک نماید و کودک را کمک نماید تا به گونه ای همکارانه و همیارانه با هم رفتار نمایند.

واژگان کلیدی: محتوای درسی، تدریس، معلم، دوره ابتدایی.

مقدمه

اصولاً نحوه تدوین محتوای کتاب درسی بر نحوه تدریس آن تاثیر گذار است، این مقوله اغلب جزء وظایف کسانی است که به روش های مختلف یاددهی - یادگیری مسلط اند و به موازات آن از ابعاد پنهان برنامه درسی نیز آگاهی دارند، لذا کسانی می توانند محتوای دروس را از این به بعد تجزیه و تحلیل نمایند که هم بر انواع محتوا و هم بر برنامه های درسی پنهان واقف و مسلط اند، انجام دهند. [۱] کیفیت تدریس عامل بسیار مهمی در موفقیت ابعاد یادگیری و رشد در مدارس است. معلمان نقش بنیادی در تمام مراحل برنامه ریزی درسی دارند. در تدوین محتوا، شناخت نیاز کودک و در اجرای موفق برنامه می تواند اثرگذار باشد. او می تواند نقش تسهیل کننده و راهنما را در ایفا کند که نحوه یادگیری و نوع نیازهای دانش آموزان را تفسیر نموده و به آنها پاسخ گوید. این امر باید بر اساس توجه به کودک به عنوان یادگیرنده منحصر به فرد، توجه به دانش آموز به عنوان فردی که دارای نیازها و ابعاد گوناگون ولی یکپارچه است، شکل گیرد [۲].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

تعریف آموزش و پرورش دوره ابتدایی:

در جوامع بدوی، مجموعه میراث فرهنگی بسیار اندک بوده و سطح دانش و مهارت ها آن چنان وسیع نبود، در نتیجه نیازی به نظام آموزشی منسجم با سبک برنامه خاص احساس نمی شد. آموزش، بیشتر از طریق خانواده ها انجام می شد و جنبه غیر رسمی داشت. با گذشت زمان در کشورهای مختلف، نظام های آموزشی رسمی با ساختار بسیار منظم و برنامه ریزی شده، شکل گرفت [۳] در ایران با وجود تاریخ و تمدن کهن، سیستم آموزشی در طول تاریخ دچار تحول گردیده و تحولات بسیار وسیعی در مقاطع مختلف رخ داده است؛ البته دوره ابتدایی با این اسم، در نظام آموزشی ایران وجود نداشت. قبل از تشکیل نظام آموزشی نوین، در ایران بیشتر مکتب خانه و مدارس دینی وجود داشت، افراد روحانی، مکتب خانه را اداره می کردند و دروس قرآن و ادبیات فارسی به کودکان آموخته می شد [۴]. بعد از انقلاب مشروطه در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی، قانون معارف برای اولین بار تصویب شد، در نتیجه آموزش ابتدایی را به عنوان اولین مرحله ساختار نظام آموزشی نوین ایران معرفی نمود و لزوم بسط و گسترش آموزش ابتدایی نوین در تاریخ ایران، برای اولین بار مطرح شد. در سال ۱۳۲۲ طبق قانون تعلیمات اجباری، آموزش ابتدایی به عنوان یک دوره آموزش عمومی و تعلیمات اجباری، مطرح و همگانی شد. طبق ماده دوم قانون تعلیمات اجباری، طول دوره آموزش ابتدایی، شش سال تعیین شد، ولی در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی، مدت این دوره به پنج سال تقلیل پیدا کرد [۵].

اهمیت آموزش ابتدایی

آموزش ابتدایی، به عنوان اولین مرحله آموزش همگانی مطرح است؛ البته آموزش پیش دبستانی به علت کمبود امکانات، همگانی نمی باشد. از آنجا که برخی از خانواده ها، از امکانات کافی مادی و فرهنگی برای آموزش محروم می باشند، آموزش ابتدا مرحله در ساختار نظامی موجب کاهش نابرابری های فرهنگی می گردد. [۶]. آموزش ابتدایی، کودکان را برای مقاطع بالاتر آماده می کند و چنانچه از نظر کمی و کیفی در سطح بالاتری ارائه شود، افت تحصیلی و ترک تحصیل در مقاطع بعدی، کمتر می شود. اگر آموزش ابتدایی در سطح گسترده ای صورت بگیرد و اکثریت یا تمام کودکان واجب التعلیم ایرانی را تحت پوشش قرار بدهد، می تواند، بی سواد را در کشور ریشه کن کند در سال ۱۳۱۳ نظام نوین آموزشی ایران گسترش پیدا کرد، دانشسرا و تربیت معلم در ایران، به نام " دارالمعلمین " و " دارالمعلمات " و سپس دانش سرای مقدماتی تأسیس شد [۷]. تا سال ۱۳۴۵ نظام آموزشی ایران دارای سیستم شش سال ابتدایی، سه سال دوره اول دبیرستان و سه سال دوره دوم دبیرستان بوده است. از سال ۱۳۴۵ طول دوره ابتدایی از شش سال به پنج سال کاهش یافت. بدین ترتیب، دانش آموزان برای ورود به سه سال دوره راهنمایی آماده می شوند تا استعداد آنها دقیقاً شناسایی شده و بر مبنای استعدادهایشان، در دوره متوسطه، در رشته خاصی ادامه تحصیل بدهند. در حقیقت، نظام آموزشی ایران در سال ۱۳۴۵ به صورت کلی تغییر کرد و از مهر ماه سال ۱۳۵۰ دوره اول راهنمایی تحصیلی شروع شد [۸]. بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که سن تقویمی نباید تنها شرط ورود کودک به دوره ابتدایی باشد، بلکه کودک باید از طریق آمادگی، مورد ارزیابی قرار گیرد. هدایت تحصیلی فقط به دوره راهنمایی تحصیلی محدود نمی شود، بلکه می توان زمینه مشاهده منظم و علمی کودک را از دوره ابتدایی به وجود آورد و از این طریق، زمینه های استعداد و علائق کودک را شناسایی نمود. به نظر مربیان تعلیم و تربیت، مشاوره و راهنمایی تحصیلی در دوره ابتدایی، باید به طور سیستماتیک صورت گیرد و مشاهده سیستماتیک از کودکان، به منظور تشخیص استعدادهایشان می باشد [۹]. هدف عمده آموزش دوران ابتدایی، پرورش استعدادهای و قابلیت های بالقوه کودکان می باشد؛ لذا این آموزشها در تمام دنیا، تحت عنوان آموزشهای عمومی در نظر گرفته می شوند [۱۰].

اهداف آموزش و پرورش ابتدایی

۱- مهمترین هدف در دوره ابتدایی، پرورش استعدادهای کودکان می باشد. منظور از استعداد، توانایی و قابلیت های بالقوه دانش آموزان است. استعدادهای دو دسته عمومی و خاص می باشند. استعدادهای عمومی، باید در همه افراد جامعه شکوفا شوند وگرنه، افراد قادر به مشارکت در فعالیتهای گروهی و اجتماعی نیستند. برای مثال، در این زمینه می توان به پرورش قوای تفهیم در کودکان اشاره کرد. در دوره ابتدایی، باید بین افراد تفاهم و توافق عمومی ایجاد شود؛ چون این امر سبب تقویت وجوه تشابه افراد می گردد. استعدادهای خاص، استعدادهایی هستند که در همه افراد به یک اندازه وجود ندارند و افراد، از نظر استعدادهای خاص متفاوت هستند. برخی از افراد در یک استعداد خاص از بقیه بالاترند و عده ای در استعداد خاص دیگری، مانند استعداد ریاضی، موسیقی، نقاشی برتر هستند. پرورش استعدادهای خاص، در دوره دبیرستان صورت می گیرد. هر چند که زمان بروز برخی از استعدادهای خاص در اواخر سالهای دبستان می باشد، اما اکثر آن استعدادهای دوره راهنمایی به بعد شکوفا می شوند و زمینه شکوفایی آنها در دوره دبیرستان فراهم می شود. به عبارت دیگر دوره راهنمایی، زمان تشخیص استعدادهای خاص، از طریق مشاهده منظم و پرسشنامه است، ولی دوره متوسطه، زمان پرورش استعدادهای خاص می باشد [۱۱]. پرورش استعدادهای خاص، در همه افراد صورت نمی گیرد، نیازی به پرورش همگانی نیست و فقط باید در برخی از افراد که دارای استعدادهای خاص هستند، تحقق یابد. این استعدادهای به آسانی شکوفا نمی شوند و شناسایی و پرورش آنها، به سهولت صورت نمی گیرد. استعدادهای خاص، باعث تقویت وجوه تمایز در افراد می گردند، برعکس استعدادهای عمومی که سبب تقویت وجوه تشابه در افراد می شوند.

۲- آشنا نمودن دانش آموزان با معارف دینی: در دوره ابتدایی، باید دانش آموزان را متناسب با هوش و توانایی هایشان با رموز خلقت، زندگی پیامبران، ائمه معصومین و آیه های ساده قرآن آشنا نمود. در آموزش این مسائل، باید با ساده گویی و ارایه مثالهای عینی، اقدامات لازم انجام گیرد.

۳- تقویت حس نظم، مسوولیت پذیری و رعایت حقوق دیگران: در این دوره، باید نظم و انضباط، حس مسوولیت پذیری، احترام به حقوق دیگران و کنترل خود را به کودک یاد داد تا خود مداری و خود محوری کودک، به تدریج تعدیل گردد. در اینجا باید تناسب اصل سندیت و اقتدار نیز رعایت شود.

۴- ایجاد بینش کافی نسبت به تمدن: در دوره ابتدایی، باید کودکان را با علومى چون تاریخ، جغرافیا و اجتماعى آشنا نمود. هدف از آموزش چنین علومى در این دوره، این است که کودکان با زمان و مکان پیرامون خود ارتباط برقرار کرده و نسبت به تمدن کشور خود، احساس تعلق کنند.

۵- آموزش اطلاعات بهداشتی، ایمنی، قوانین و هنجارهای اجتماعی: کودکان در این دوره، از نظر فکری قادر به درک قواعد هستند، در نتیجه می توان هنجارهای اجتماعی، آموزشهای بهداشتی و ایمنی را به آنها ارایه نمود. مدرسه در دوران ابتدایی، از طریق آموزش هنجارها و ارزشهای اجتماعی به کودکان، به آنها می فهماند که لازمه زندگی اجتماعی، رعایت حقوق دیگران است [۱۲].

ویژگیهای کودک در دوره ابتدایی عبارتند از:

۱- رشد جسمانی کودک: در دوره ابتدایی، تارهای عصبی، "میه لینی" می شوند، در نتیجه، رشد جسمانی کودک در این دوره، بسیار مهم است. میه لینی شدن تارهای عصبی، در مقطع دبستان، به سطوح بالاتر و تکامل می رسد و سبب هماهنگی کامل حس و حرکت کودک می گردد. هماهنگی حسی - حرکتی در این دوره از رشد بالایی برخوردار است. کودک در اثر تکامل مراکز عصبی و تجارب جسمانی خود، قادر به تعبیر و تفسیر پیامهای دریافتی حواس خود بوده و می تواند بدانها پاسخ صحیحی بدهد. تفاوت رشد جسمانی کودک دبستانی و پیش دبستانی، از این جنبه است.

۲- کاهش خود مداری: در دوره دبستان، خودمداری کاهش می یابد. کودک در این مرحله، در صورت قرار گرفتن در یک محیط مناسب، مدرسه مطلوب و آموزگاران ماهر، به تدریج می تواند به حقوق دیگران توجه و آن را رعایت نماید؛ حتی گاهی اوقات نیز می تواند، از حق خود بگذرد و دیگران را در نظر بگیرد. از طریق فعالیتهای گروهی، بیشتر می توان به این ویژگی توجه نمود [۱۳].

۳- معقول تر شدن پیوندهای عاطفی کودک: در این مرحله، کودک ارتباط عاطفی شدیدی با خانواده خود برقرار می کند. در دوره دبستان، این پیوندها معقول می شوند و او می تواند چند ساعتی دور از آنها، جدا از آنها بماند، بدون اینکه خلأ عاطفی احساس کند. این ویژگی، در رشد عاطفی کودک و هدف آموزش و پرورش که همانا استقلال عاطفی کودکان است، بسیار مهم می باشد. در دوره دبستان، پیوندهای عاطفی سست نمی شوند و از بین نمی روند، بلکه در صورت برخورداری کودک از محیط گرم خانوادگی، مادری کاردان و جذابیت محیط آموزشی، به تدریج می تواند به استقلال دست یابد.

۴- تغییر شکل کنجکاوای کودک: کنجکاوای کودک در دوره دبستان، بر خلاف دوره پیش دبستانی که بی هدف بود، هدفمند و جهت دار می شود. در دوره دبستان، با استفاده از دروسی مثل علوم، می توان مفهوم علیت را در کودک پرورش داد.

۵- تغییر شکل مشاهدات کودک: کودک دبستانی در هنگام مشاهده، به بررسی علل پرداخته، چرایی مسائل را جستجو کرده و به چگونگی فرایندها توجه می کند [۱۴].

۶- حرکت از تخیل به سوی واقعیت: کودک دبستانی بیش از حد از تخیل دور شده و به واقعیت نزدیک می شود. یکی از ویژگیهای مهم این دوره، کاهش تخیلات است.

۷- دوره نهفتگی: تحقیقات نشان داده، بر خلاف دوره پیش دبستانی که کودک از لحاظ جنسی تا حدی فعال است، در مرحله دبستانی، تمایلات جنسی به دوره پوشیدگی و کمون می رسد، بدین دلیل، از این نظر مشکل خاصی نخواهد داشت، در نتیجه، این حالت به آرامش وی کمک کرده و او را آماده درک مطالب درسی می کند. این دوره، برای آرایه آموزشها بسیار مناسب است. کودک در این دوره بسیار مهم تسن دایی تارهای عصبی، میه لینی می شوند و در نتیجه رشد جسمانی کودک در این دوره بسیار مهم تسن تعلق اوج گیری حافظه: از حدود نه سالگی به بعد، قوه حافظه کودک به سرعت رشد می کند و قادر است، مطالب مورد علاقه اش را به راحتی حفظ کند. البته اوج گیری حافظه، نکته منفی نیز دارد، زیرا کودک بیش از حد متکی به حافظه اش می باشد، معلومات وی بیشتر جنبه حفظی پیدا می کند و این امر، به جنبه های دیگر رشد او لطمه خواهد زد.

۸- ظهور استعدادها: سن نه سالگی، سن ظهور استعدادهای مختلف، از قبیل استعداد موسیقی می باشد. به منظور ظهور استعدادها، باید او را در معرض فرصتهای یادگیری متنوع قرار داد و کودک را در برنامه های مختلف فوق برنامه، از قبیل فعالیتهای علمی، هنری، ورزشی و موسیقی شرکت داد. در این برنامه ها، فرصتهای یادگیری متنوعی در اختیار کودک قرار می دهند تا مربیان متوجه استعدادها بر جسته وی شوند و آنها را پرورش دهند [۱۵]. به منظور بروز استعدادها، باید از به کارگیری روشهای تدریس یکسان در مورد دانش آموزان اجتناب نمود، زیرا این امر سبب کسالت کودک و گریز وی از مدرسه می شود. معلمان باید تلفیقی از روشهای تدریس، از جمله روش سخنرانی، توضیحی، پرسش و پاسخ و ... را به کار گیرند تا به نتایج و بازدهی بالایی دست یابند.

۹- الگوپذیری: دانش آموز دبستانی از بزرگسالان الگو می گیرد. یکی از جنبه های مهم شخصیت وی، تقلید است. کودک از افرادی که در نظر وی مهم و ارزشمند هستند، تقلید می کند. وقتی معلم درباره ارزشها صحبت می کند، خودش حاصل ارزشها می شود. معلمان باید سعی کنند که تناقضی بین رفتار و گفتارشان وجود نداشته باشد و به ارزشها پایبند باشند [۱۶].

به طور کلی، بر اساس ویژگیهای مذکور دوره دبستان، باید به چند مسأله توجه نمود. یکی از فعالیتهای بسیار مهم این دوره، بازی است. در این مرحله، بازیهای بی هدف و بی قاعده دوره پیش دبستانی به بازیهای هدفمند تبدیل می شوند. مربی باید دانش آموزان را از بازیهای بی هدف به بازیهای همراه با کار سوق دهد، به این ترتیب، کودک با اتمام کار، می تواند به ارضاء روحی برسد. نکته دیگر در این دوره، هماهنگی خانه و مدرسه است. والدین باید در محیط خانه شرایط استقلال عاطفی کودک را فراهم نمایند. مربیان نیز باید محیط جذابی را فراهم کنند تا کودک نگرش مثبتی نسبت به مدرسه داشته باشد. هر چه ارتباط بین والدین و مربیان بیشتر باشد، بهتر می توان در جهت اهداف آموزشی گام برداشت. در دوره دبستان، مربیان باید برخورد مطلوبی با اشتباهات و خطاهای کودکان داشته باشند، هیچگاه کودک را در حضور جمع شرمسار نکنند، برای تغییر رفتارهای نامطلوب کودک از روشهای اصلاح رفتار بهره جویند و رفتار نامطلوب او را توسط تقویت رفتارهای درست تغییر بدهند. مربیان باید آگاه باشند که ضعف درسی کودک بنا به دلایل بسیاری از جمله ناتوانی یادگیری، مشکلات عاطفی، شخصیتی و زمانی و ضعف محیط و روشهای آموزشی صورت می گیرد [۱۷].

ملاکهای گزینش مواد درسی در دوره ابتدایی-برنامه ریزی درسی دوره ابتدایی

ملاکهای گزینش مواد درسی دوره ابتدایی چیست؟ ما بر اساس چه ملاکهایی، مواد درسی از قبیل انشاء، املاء، ریاضیات، ادبیات، علوم تجربی و ... را برمی گزینیم؟ اولین ملاک گزینش مواد درسی، اهداف تعلیم و تربیت می باشد. یکی از اهداف آموزش و پرورش، شکوفایی استعدادهای عمومی است. برنامه های درسی باید با مراحل رشد کودک هماهنگ باشند. کودک در این دوره، ویژگیهای جسمی، روانی، عاطفی و فکری خاصی داشته و تفکر محسوسی دارد. مواد درسی دوره ابتدایی، باید با توجه به میزان رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودک برگزیده شود، متناسب با مدت تحصیل وی باشد و به اندازه کافی انعطاف پذیر

باشد تا معلم بتواند در انتخاب روش و رعایت ویژگیهای فردی دانش آموز، فعالیت درستی انجام بدهد. معلم باید در انتخاب مواد درسی، دانش و مهارتها آزاد باشد تا بتواند، ویژگیهای فردی دانش آموزان را در نظر بگیرد [۱۸].

همانطور که در مباحث پیش گفته شد، به طور کلی، دو نوع تفاوت بین انسانها وجود دارد:

تفاوتهای درون فردی و بین فردی. انسانها دارای تواناییهای یکسانی نیستند. معلمان باید با توجه به ویژگیهای فردی (درون فردی) و متفاوت انسانها (بین فردی)، از قبیل آموزش برنامه ای و یادگیری در حد تسلط، به آموزش انفرادی روی بیاورند. روشهای آموزشی خاصی نباید به معلمان تحمیل گردد؛ حتی به دانش آموزان نیز نباید مواد درسی را تحمیل کرد، بلکه ما باید آن جمله از مواد درسی را انتخاب کنیم که دانش آموز به آن علاقمند می باشد. مواد درسی، باید با پیشرفت علوم و فنون هماهنگ باشد. بحران عمیقی که در نظام آموزشی کنونی وجود دارد، عدم هماهنگی محتوای درسی با اطلاعات، دانش روز، تکنولوژی و علوم و فنون است [۱۹].

مواد درسی باید متناسب با نیازهای کودک و جامعه بوده و جنبه کاربردی داشته باشد. پی بردن به نیازهای دانش آموزان، از طریق انجام نیاز سنجی علمی و دقیق، راهگشای خوبی برای آموزش و پرورش است. تحقیقات نشان می دهند که در تعلیمات ابتدایی، نیازهای علمی به درستی رعایت نشده، جنبه کاربردی ندارند و منجر به تحول عملی در شخصیت کودک نمی شوند [۲۰].

واگذاری آموزش به معلمان، انتخاب محتوای درسی و روشهای آموزشی، به سه طریق انجام می شود:

۱- انتخاب آزاد: معلم به طور کامل آزاد است که با توجه به نیازهای خاص دانش آموزان، مواد درسی را تعیین کند

۲- انتخاب مقید: معلم از بین کتابهای درسی تعیین شده، تعدادی را انتخاب می کند.

۳- انتخاب محدود: سازمان تألیف کتب درسی، کتابهایی را می نویسد و معلم ناچار است که تمام محتوای کتاب را در طول سال به دانش آموزان ارائه دهد. تا سال ۱۳۳۲ تأسیس نظام آموزشی نوین ایران - انتخاب آزاد، مطرح بوده و معلمان محتوای آموزشی را تعیین می کردند، پس از آن تا سال ۱۳۴۵ انتخاب مقید مطرح شد، ولی از سال ۱۳۴۵ به بعد، انتخاب محدود جایگزین شده است [۲۱].

به طور کلی، در مرحله ابتدایی، باید تدریس کتاب ها کاهش یابد، متمرکز بر فعالیتهای دانش آموز باشد و دانش آموز فعالانه در آموزشها شرکت کند. تحقیقات نشان می دهد که دوره ابتدایی، بهترین سن یادگیری زبان خارجی است و دانش آموزان در این سن، زبان را با لهجه بهتری فرا می گیرند. [۲۲]

برنامه ریزی درسی دوره ابتدایی

۱- مرحله طراحی:

معلم به طراحی دوره می پردازد، یعنی چگونگی محتوا، ارائه، سازماندهی محتوا، ارزشیابی، روشهای آن مشخص می شوند. طراحی، برنامه از پیش تعیین شده ای برای اجرا و ارائه تعلیم و تربیت است. در طراحی، اهداف رفتاری، روشهای تدریس، شرایط و فضای یادگیری، گروههای یادگیری، منابع مادی و انسانی، وسایل کمک آموزشی، انواع ارزشیابی و نحوه ارزشیابی مشخص می گردند. پس از مرحله اجرا، به ارزشیابی می پردازیم. گام اول در برنامه ریزی درسی، تعیین هدف است. در برنامه ریزی درسی، اهداف کلی باید مشخص شوند، از آنها به اهداف جزئی برسیم و اهداف جزئی را به اهداف رفتاری تبدیل کنیم. منظور از اهداف رفتاری، اهدافی است که منظور معلم را از آموزش، به صورت رفتار قابل مشاهده و اندازه گیری مشخص می کنند. به صورت دقیق، آن نوع رفتاری است که از افراد، در پایان درس انتظار داریم، یعنی سطح توقع ما را از دانش آموز مشخص می کنند پس از تعیین اهداف، مخاطب مورد توجه قرار می گیرد. در مدرسه، مخاطب همان دانش آموزان، علائق و نیازهای آنها می باشد. در این جا باید به میزان رشد ذهنی، سطح تواناییها و سابقه خانوادگی آنها نیز توجه داشت [۲۳].

پس از تعیین اهداف و مخاطب، باید برای رسیدن به اهداف، محتوای خاصی را پیش بینی نمود و به سازماندهی محتوا پرداخت. ارتباط و ساز، ارزشیابی، روشهای ارزشیابی مشخص می شودماندهی برنامه درسی یا محتوای درسی، به دو شکل ارتباط افقی و ارتباط عمودی یا منطقی است. منظور از ارتباط عمودی، این است که مواد درسی مرحله به مرحله، بطور سلسله مراتبی و گام به گام به دانش آموز آموزش داده شوند، هر مرحله پیش نیاز مرحله بعد، و مرحله بعد نتیجه مرحله قبل باشد، برای مثال، چنانچه جغرافیای پایه پنجم با جغرافیای پایه چهارم مرتبط باشد، جغرافیای پایه چهارم نیز با جغرافیای پایه سوم در ارتباط است، این ارتباط را ارتباط عمودی یا منطقی می نامند. به عبارت دیگر، باید بین مواد درسی پایه های مختلف تحصیلی، ارتباط و انسجام منطقی وجود داشته باشد [۲۴].

منظور از ارتباط افقی، این است که باید بین دروس مختلف یا پایه تحصیلی ارتباط منطقی وجود داشته و مواد درسی از هم گسیخته نباشند. به عنوان مثال، باید ارتباط منطقی بین دروس تاریخ، جغرافیا، ادبیات و ریاضیات وجود داشته باشد و این مواد درسی، در ارتباط با یکدیگر تدریس شوند. برای مثال مثالهایی که هنگام تدریس ریاضیات، مورد استفاده قرار می گیرد، می تواند مبتنی بر تعلیمات اجتماعی باشد. لازمه ارایه یک محتوای سازمان یافته و منسجم، این است که ما در سازماندهی محتوای درسی دوره ابتدایی، نسبت به این دو نوع ارتباط افقی و عمودی - توجه کافی داشته باشیم [۲۵].

۲ اجرا:

پس از تعیین محتوا، وسیله مشخص می شود. منظور از وسیله، وسایل کمک آموزشی یا سخت افزار تکنولوژی آموزشی است که باید هنگام آموزش مورد استفاده قرار گیرند. جایگاه نیاز سنجی در این سلسله مراتب کجاست؟ آیا ابتدا باید نیاز سنجی شود و پس از آن، تعیین هدف، محتوا و ... صورت گیرد یا اینکه ابتدا هدفها و سپس نیاز سنجی و ... را مشخص کنیم. اهداف تعلیم و تربیت، دارای منابعی هستند که یکی از آن منابع، نیاز سنجی است. اهداف، باید بر اساس نیاز سنجی تعیین شوند. بنابراین، ما باید نیازهای افراد را صورت دقیق شناسایی کرده و بر اساس آن نیازها، اهداف تعلیم و تربیت را مشخص کنیم. یکی از منابع تعیین نیاز، دانش آموزان هستند، ولی از آنجا که در این دوره، دانش آموزان نمی توانند نیازهای خود را بیان کنند، نقش والدین و معلم در تعیین نیازها بسیار مهم است [۲۶].

دانش آموزان در این سن قادر به بیان نیازهای آموزشی خود نمی باشند، در نتیجه باید نیازها را به طرق مختلف کشف نمود. برای مثال، می توان نظر متخصصان تعلیم و تربیت، اولیاء تعلیم و تربیت، دست اندرکاران نظام آموزشی و معلمان را جویا شد یا از روش "پیک نیک دلفای" استفاده نمود. در روش "پیک نیک"، از یک نمونه جامعه معلمان دوره ابتدایی، نیازهای آموزشی دانش آموزان را می پرسیم، بر اساس نیازهای مشخص شده توسط معلمان، پرسشنامه جدیدی می سازیم و از گروهی از افراد، می خواهیم که نیازها را اولویت بندی نمایند [۲۷].

پس از مشخص کردن وسایل آموزشی، باید روشها را معین نمود، ارائه محتوا باید به چه صورت باشند؟ معلم باید از یک روش آموزشی یا از انواع روشها استفاده کند؟ بدهی است که معلم در آموزش خود، باید از روشهای متنوعی استفاده نماید، زیرا یک روش خاص، پاسخگوی تعلیمات ابتدایی نیست. انتخاب روش باید مبتنی بر اهداف، نیازها، مخاطبین، سن دانش آموزان و میزان رشد ذهنی آنها صورت گیرد [۱].

۲- ارزشیابی:

پس از طراحی و اجرای آموزش، ارزشیابی صورت می گیرد. ارزشیابی، باید بتواند تمامی اهداف را مورد سنجش قرار دهد، نه اینکه فقط مبتنی بر محفوظات دانش آموزان باشد. ارزشیابی، باید از تمام ابعاد شناختی شخصی انجام گیرد، نه اینکه فقط محدود به سطح دانش شود، بلکه باید قوه فهم، تمیز، کار بستن، تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و قضاوت دانش آموزان را نیز بسنجد. [۲]

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که تهیه برنامه درسی کاری بسیار وقت گیر و مستلزم تلاش و دقت و سرمایه گذاری است، اما اگر شرایط اجرای برنامه فراهم نباشد، برنامه به نتیجه نمی رسد. وسایل و مواد آموزشی تهیه شده و دستورالعمل های مربوط باید به موقع توزیع شود و در اختیار معلمان، دانش آموزان و عوامل دیگر آموزشی قرار گیرد. نوع نگاه (رویکرد) برنامه ریزان بر روی برنامه ریزی و تدوین محتوا نیز تاثیر دارد، برخی از برنامه ریزان معتقدند که ماموریت برنامه های درسی به ویژه محتوای برنامه های درسی انتقال میراث فرهنگی است لذا محتوا باید گذشته گرا باشد. این گونه برنامه ریزان کتاب های بزرگ (great book) را برای دانش آموزان توصیه می کنند، رویکرد دوم؛ رویکرد حال گرا، اینگونه برنامه ریزان معتقدند کتاب های درسی نباید گذشته گرا باشد چون دانش آموزان در زمان حال زندگی می کنند لذا باید از مباحث به روز برای حل مسائل زندگی خود بهره جویند پس کتاب های درسی مهارت های زندگی کردن را به دانش آموزان یاد می دهند. رویکرد سوم؛ رویکرد آینده گرا است، در این رویکرد برنامه ریزان بر این باورند که دانش آموزان را باید برای آینده تربیت کرد، نه گذشته و نه حال پس باید مطالبی در کتاب های درسی آورده شود که نیاز های آینده آنها را تامین کرد.

منابع و مأخذ

- [۱] اعتدادی، محمد و همکاران (۱۳۹۹). اجرای طرح آموزش و یادگیری آنلاین در مدارس استان اصفهان در دوران شیوع بیماری کووید-۱۹، پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۴۴، ۲۴-۱۲.
- [۲] جعفری کمانگر، فاطمه و فروغی، عبدالکریم (۱۳۹۸). مقایسه اثربخشی روش تدریس بدیعه پردازی با سنتی بر درس انشای دوره ابتدایی. راهبردهای نوین تربیت معلمان، ۸، ۴۷-۷۴.
- [۳] حمزه لو، زهره و رحیمی، سعدا (۱۳۹۹). بررسی کیفیت آموزش و یادگیری در فضای مجازی شاد از نظر دانش آموزان دوره ابتدایی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸، پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۲۹، ۱۴-۱.
- [۴] سیف، علی اکبر (۱۳۹۴) روان شناسی یادگیری و آموزش. تهران: انتشارات آگاه.
- [۵] شریفی نتاج، سهراب (۱۳۹۶). دلایل بی توجهی دانش آموزان به درس فلسفه و منطق، رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، ۶۷، ۷-۴.
- [۶] شعبانی، حسن (۱۳۹۵) مهارت های آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.
- [۷] طوسی زرام وردی، محمدجعفر (۱۴۰۰). مدیریت و بررسی علل و عوامل افت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان نگاه (استان مازندران) در دوران بحران کرونا، پژوهش های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب و کار، ۳، ۶۸-۵۲.
- وزا عباسی دره بیدی، احمد (۱۴۰۰). چالش های آموزش مطالعات اجتماعی در دوران کرونا از نگاه دانش آموزان، پژوهش در مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، ۳، ۲۲-۱.
- [۹] عالیخانی، زکیه و عالیخانی، غلامرضا (۱۳۹۹). اتخاذ روش آموزش مطلوب در دوران همه گیری کرونا، رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی، ۵، ۵۱-۳۵.
- [۱۰] کاظم پور، اسماعیل و تراب نژاد، سمیرا (۱۳۹۶). تأثیر آموزش به روش بحث گروهی بر مهارت های اجتماعی دانش آموزان، فصلنامه مهارت های روانشناسی تربیتی، ۸ (۳)، ۴۹-۶۲.

- [۱۱] کدخدایی، مریم و سلیمانی، آمنه (۱۳۹۴) مقایسه آموزش به روش بدیعه‌پردازی و روش سخنرانی برافزایش خلاقیت دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم ابتدایی زرین‌شهر، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال دوازدهم، دوره دوم، شماره ۱۳۰، ۴۵-۱۱۹.
- [۱۲] کدیور، پروین (۱۳۹۰). روان‌شناسی یادگیری، تهران: نشر سمت.
- [۱۳] ۵۱ کریمی، فرهاد و همکاران (۱۳۹۳). تأثیر سه روش بحث گروهی درباره معماهای اخلاقی، گفتگو در گروه‌های کوچک به روش مشارکتی و سخنرانی، بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان دختر پایه دوم متوسطه. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (روان‌شناسی دانشگاه تبریز)، ۳۳، ۱۹۵-۲۳۹.
- [۱۴] لطف‌آبادی، حسین (۱۳۹۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۳، ۴۴-۱۱.
- [۱۵] معروفی، یحیی و مولودی، مظفر (۱۳۹۴). تأثیر روش تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۶، ۴۴-۳۳.
- [۱۶] ملکوتی، محمد (۱۳۹۸). تدریس در گروه‌های کوچک (بحث گروهی). راهبردهای آموزش (راهبردهای آموزش در علوم پزشکی)، ۲(۴)، ۱۸۷-۱۸۳.
- [۱۷] ملکی، فخری (۱۳۹۳). ویژگی‌های برنامه‌ی درسی فلسفه در کشورهای گوناگون، رشد آموزش معارف اسلامی، ۵۵، ۵۲-۵۰.
- [۱۸] مؤمنی مهموئی، حسین و اوجی نژاد، احمدرضا (۱۳۹۹). تأثیر به‌کارگیری الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس انشا، مجله تازه‌های پژوهش در برنامه‌ی درسی، ۱(۳)، ۹۲-۸۱.
- [۱۹] میرباقر آجر پز، ندا و رنجبر، نرگس (۱۳۹۷). مقایسه آموزش سنتی و بحث گروهی در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری، فصلنامه علمی دانا، ۱(۳)، ۱-۱۰.
- [۲۰] نقیب‌زاده جلالی، میر عبدالحسین (۱۳۹۹). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: کتابخانه طهوری.
- [۲۱] یاری، علی (۱۴۰۰). مدیریت و واکاوی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس ابتدایی پسرانه و دخترانه شهرستان زرین‌دشت در دوران شیوع بیماری کرونا، پژوهش‌های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار، ۴، ۵۱-۳۶.
- [22] Curran, G. M. (۲۰۲۰). Implementation science made too simple: A teaching tool. *Implementation Science Communications*, ۲۷(۱), ۱-۳
- [23] Elfirdoussi, S., Lachgar, M., Kabaili, H., Rochdi, A., Goujdami, D., & Elfirdoussi, L. (۲۰۲۰). Assessing distance learning in higher education during the COVID- ۱۹ Pandemic, *Education Research International*, ۱۳, ۱-۱۳
- [24] Fauzi, I., & Khusuma, I. H. S. (۲۰۲۰). Teachers' elementary school in online learning of Covid- ۱۹ pandemic conditions. *Journal Iqra': Kajian Ilmu Pendidikan*, ۵(۱), ۵۸-۷۰
- [25] Greene, J. C. (۲۰۱۷). *Mixed methods in social inquiry*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- [26] Ivankova, N., & Wingo, N. (۲۰۱۸). Applying mixed methods in action research: Methodological potentials and advantages, *American Behavioral Scientist*, ۶۲, ۱-۲۰
- [27] Leontyeva, I. A. (۲۰۱۸). Modern distance learning technologies in higher education: Introduction problems. *Eurasia Journal of Mathematics, Science and Technology Education*, ۱۴(۱۰), ۱-۸